

نوزا

مزون نوزا

در خدمت همشهریان عزیز

دوخت فرم مدارس متوسطه اول و دوم
شامل مانتو، شلوار ، مقنعه و انواع شومیز
سفارش همه روزه از ساعت ۹ الی ۱۴- میر مجیدی

۰۹۳۹۳۰۱۶۱۷۲-۰۱۷۳۲۲۲۴۸۰۲
nozhaa_collection

یادداشت اول

دغدغه ای به نام ایران

■ احسان مکتبی

میرزا قائم مقام فراهانی گفته بود: دغدغه من ایران است چه به نام، چه به ننگ. این روزها و پس از جنگ تحمیلی گویا میرزا قائم مقام از خاک برخاسته است و در میان ایرانیان تکثیر شده است و ایرانیان هر یک به زبانی این کلام پر معنا را تکرار می کنند که دغدغه ما ایران است چه به نام، چه به ننگ. همه اقوام، آیین ها و همه فعالان سیاسی از همه جناح ها و گرایش ها همین را تکرار می کنند اما شوربختانه هنوز شهیدان ایران زمین در خاک وطن آرام نگرفته اند که برخی آشکار وحدت و انسجام ملی را نشانه می گیرند و می خواهند اینک که مردم با همه نجابت و بزرگواری ها از کوته فکری ها و کم لطفی ها گذشته اند دوباره ایران و شهروندان را به مساله ای فرعی تبدیل کنند تا ایرانیان فراموش کنند که دغدغه اول و آخر آنها ایران است و باید ایران بماند. گرفتار جماعتی شده ایم که هم نمی دانند و هم نمی خوانند، نمی دانند که ایرانیان همواره در طول تاریخ یگانه پرست و موحد بوده اند و نخوانده اند که در شاهنامه بزرگ حکیم فردوسی هر سخن و هر نامه و چکامه ای با نام و یاد یزدان پاک آغاز می شود و تقریباً همه آثار ادبی ما با یاد و نام پروردگار آغاز شده است. گرفتار جماعتی شده ایم که مفهوم واژه ها را درک نمی کنند و نمی دانند انسان بما هو انسان خلیفه خداوند بر روی زمین است، زیرا عاقل است و انتخابگر و این قدرت را خداوند بلند مرتبه به او داده است و باز نمی دانند که باید با انسانی که نوع دیگری می اندیشد و انتخاب دیگری دارد به ادب سخن گفت و هیچگاه نباید دامن ادب را فرو گذاشت. باور ندارند که ایران ملک مشاع همه شهروندان است و نمی توان ایرانیّت را از ایرانیان گرفت همه ایرانیّند و همه صاحب حق و نمی توان آنها را از ایرانیّت و حق شهروندی محروم کرد. کاش بدانند و درک کنند که ایران برای همه ایرانیان است و اگر ملت نخواهند هیچ کس را توان اجبارشان نیست و اگر بخوانند هم آن چنان که دیدیم می توانند حماسه ای به بزرگی دوازده روز ایستادگی در برابر متجاوز خلق کنند. یاد شهیدان این آب و خاک جاوید باد

صاحب امتیاز

وضع سینمای ایران
اسفناک است

»



۲

توسعه کشت آفتابگردان با پشتوانه
کود یارانه ای

»



۳

ادبیات

»



۵۰۴

■ گلشن مهر شناسنامه گلستان است

■ دوشنبه ۹ تیر ماه ۱۴۰۴ / سال بیست و ششم / شماره ۲۹۹۸ / صفحه ۸ / ۲۵۰ تومان

تابستان بدون برنامه!

فرصت سوزی پنهان در زندگی دانش آموزان

»



صادرات ۴۶۳ میلیون دلاری گلستان
گامی بلند در تجارت بین المللی

»



استاندار گلستان:

قدر دان مردم هستیم



و نظامیان ما قافیه را نباختند. وی افزود: ما در شرایط جنگی آذوقه ۳ ماه آینده نان استان را در اختیار داشتیم. همچنین

مهران مودنی- استاندار گلستان صبح شنبه در نشست با اصحاب رسانه اظهار داشت: با قدردانی از شهروندان در زمان جنگ، با درایت رئیس جمهور و وزری دولت، هیچ کمبودی برای مردم به وجود نیامد. علی اصغر طهماسبی، ضمن عرض تسلیت ایام محرم و شهادت فرماندهان، کودکان، زنان و مردان ایران در حملات رژیم صهیونیستی گفت: به رغم شوک اولیه ای که در پی از کار افتادگی سیستم راهداری کشور، از دست رفتن ارتباط بین فرماندهی و بلنه نظامی کشور، شهادت فرماندهان ارشد نظامی و مواجهه با شبکه جاسوسی رژیم صهیونیستی به وجود آمد، مردم، دولتمردان

مزرعه ای در قورچای، نشانی از وحدت ملی در برابر تهدیدها

غوغای پرچم



نمادین، نشان داد که دفاع از وطن، تنها وظیفه نیروهای مسلح نیست؛ بلکه هر ایرانی، در هر جایگاهی که باشد، وظیفه دارد از خاک و ناموس خود دفاع کند. او به جهانبان فهماند که حملات رژیم صهیونیستی، نه تنها خللی در عزم و اراده ملت ایران ایجاد نکرده، بلکه اتحاد و همملی آن ها را بیش از پیش تقویت کرده است. این صحنه، تلاعی گر دوران دفاع

می سپارند و رزق حلال به دست می آورند، امروز با همان دستان، پرچم عزت و شرف را برافراشته اند. این پرچم، تنها یک تکه پارچه رنگین نیست؛ بلکه نماد هویت، استقلال و شرف ملتی است که در طول تاریخ، بارها و بارها، امتحان خود را پس داده است. در پس این حرکت خودجوش، پیام های عمیقی نهفته است. کشاورز قورچای، با این اقدام

مریم قرآنی- این تصویر ابراهیم خرمالی کشاورز گلستانی اهل روستای قورچای است که به عشق ایران پرچم کشورمان را بالای تالار مزرعه کشاورزش نصب کرده است تا به خود و به ما یاد آور شود برخاسته از کدام خاک زر خیز است، ملت شریفی که در نهان و آشکار دل در گروی ایران دارند و برایشان ایران معیار است و دیدیم که در روزهایی که آتش کینه دشمنان، خاک وطن را نشانه گرفت، قلب های ایرانیان با تپشی واحد، فریاد همملی سر می دهند. این بار، این فریاد از دل مزارع صیفی جات روستای قورچای شهرستان آزادشهر به گوش رسید؛ جایی که کشاورزی غیور، پرچم مقدس جمهوری اسلامی ایران را بر فراز مزرعه هندلوانه ی خود به اهتزاز درآورده تا پیام روشنی به جهانبان مخابره کند. ایران، یکپارچه و استوار در برابر هر تهدیدی خواهد ایستاد. این تصویر، گویای حقیقتی بزرگ است؛ حقیقتی که در تار و پود این سرزمین ریشه دوانده است. مردمانی که با دستان پینه بسته، دل به خاک

مدیر مسئول

ادامه تیتراژ اول

جلسات این قرارگاه در برخی از روزها با حضور ۱۰۰ نفر برگزار می‌شد. وی ادامه داد: با در نظر گرفتن اینکه کشور در شرایط جنگی بود، امکان

خبررسانی کامل جنگ برای ما وجود نداشت. اگرچه که مانند رژیم صهیونیستی به انتشار اخبار جعلی دست زدیم. استاندار گلستان درباره موج وطن‌پرستانه‌ای که در داخل و خارج از کشور ایجاد شد، گفت: در این ایام کل ناتو و بلوک غرب به ما هجوم آورد و جمهوری اسلامی ایران به جز خدا و مردم یاور دیگری نداشت. باید از تمام ایرانیان و خبرنگاران داخل و خارج از کشور تشکر کرد. حتی شبکه‌های ماهواره‌ای، به استثنای یک یا

دو مورد از آن‌ها، مواضع وطن‌پرستانه می‌گرفتند. اگرچه که با نظام جمهوری اسلامی مخالف بودند، اما حاضر شدند برای کشور جانشان را بدهند. وی افزود: در این ۱۲ روز تمام کشور با یک جنگ جاسوسی، نظامی، رسانه‌ای و... روبه‌رو بود. با این حال جز در نخستین روز جنگ، هیچ روزی جلوی ناوایی‌ها صف‌های طولی ایجاد نشد. طهماسبی عنوان کرد: دشمن گمان می‌کرد با اصابت نخستین موشک، مردم علیه نظام موضع

خواهند گرفت و کشور رو به تجزیه خواهد رفت. این جنگ نه تنها موجب هیچ شورشی نشد، بلکه به وحدت و وفاق ملی ختم شد. وی در نهایت گفت: باید در نظر گرفت که تاکنون هیچ کشوری همزمان با ۲ کشور اتمی جهان وارد جنگ نشده بود. حمله دشمن به برخی نقاط و مراکز کشور ما، دال بر بی‌اطلاعی و ضعف اطلاعاتی ما نبود. متأسفانه جنگ‌افزارهای ما توان مقابله با تمام تجهیزات دشمن عوامل نفوذی را نداشتند.

وضع سینمای ایران اسفناک است

ها دارد و معتقد است: وضعیت سینمای ایران در شرایط فعلی اسفناک است. با توجه به گسترش VOD ها و حضور بازیگران در این پلتفرم‌ها، و همچنین دستمزدهای بالای بازیگران، شرایط تولید فیلم سخت شده و اساساً امنیت سرمایه زیر سوال رفته است. به طور کلی، سینمای ایران روزهای خوبی را سپری نمی‌کند. خانی می‌گوید: اگر سینمای ایران استراتژی مناسبی برای آینده نداشته باشد، آینده‌ای خطرناک در انتظار آن است. حضور پلتفرم‌های آنلاین (که البته در سراسر جهان اتفاق افتاده) باعث فعال‌تر شدن آن‌ها شده و اگر سازمان سینمایی برای جایگاه سینما در این شرایط جدید تدبیری نیندیشد، می‌تواند آسیب‌پذیر شود. از خانی می‌پرسیم به عنوان تهیه‌کننده، چگونه تعادل بین جنبه‌های هنری و تجاری فیلم را حفظ می‌کنید؟ و پاسخ می‌دهد که برای هر فیلم‌ساز، حضور در جشنواره‌های بین‌المللی و کسب جوایز، اعتبار قابل توجهی برای فیلم و سینمای کشورش به همراه می‌آورد. موفقیت در این فستیوال‌ها، می‌تواند منجر به دیده شدن بیشتر فیلم‌های ایرانی در بازارهای بین‌المللی شود و به تولیدات مشترک و همکاری‌های بین‌المللی بینجامد. این موضوع، راهی برای افزایش دیده شدن و فروش فیلم در بازارهای جهانی است. خانی درباره پلتفرم‌های پخش آنلاین و آینده سینما معتقد است: این پلتفرم‌ها رقیبانی جدی برای سینماها هستند. وجود این پلتفرم‌ها در سراسر جهان سینمای ایران را نیز با چالش‌های جدی روبرو کرده است. اگر سینما نتواند از جایگاه خود دفاع کند، ممکن است در آینده شاهد تعطیلی بسیاری از سینماها باشیم. به همین خاطر این تهیه‌کننده معتقد است که سینمای ایران نیاز به تغییرات ساختاری دارد و ادامه می‌دهد: به نظرم ساختار فعلی سینمای ایران نیازمند تغییرات اساسی است و این تغییرات باید در بخش‌های مختلفی مانند تولید، توزیع، و نمایش فیلم‌ها، همکاری با نهادهای فرهنگی و حمایت‌های دولتی، و همچنین در حوزه آموزش و تربیت نیروهای متخصص انجام شود. به نظر می‌رسد بخش‌های مختلف این صنعت نیاز به بازنگری و اصلاحات عمیق دارند تا سینمای ایران بتواند به پویایی و پیشرفت بیشتر دست یابد. با این همه او علاقه‌ای به کارگردانی ندارد و در پاسخ به سوال آخر ما که آیا دوست دارید خودتان روزی در مقام کارگردان فعالیت کنید؟ می‌گوید: خیر. در حال حاضر اصلاً به کارگردانی فکر نمی‌کنم. از سعید خانی بابت گفت و گو سپاسگزاریم.



می‌گوید: درباره جهان فیلم، چون قبلاً دو پروژه با آقای تقی‌زاده انجام داده بودم، یکی سریال «حرفه‌ای» و دیگری فیلم «سال گریه»، همکاری با او برای من لذت‌بخش بود. بر اساس همین تجربیات، تصمیم گرفتیم که در پروژه «جان سخت» نیز با هم همکاری خانی اما درباره وضعیت سینمای کشور نگرانی

رویکرد جواب داد و ما توانستیم چهره‌های جدیدی را به سینما معرفی کنیم که خروجی کارشان هم بسیار خوب بود. در مورد فیلم «رها»، به نظر من فیلمنامه‌اش واقعاً جذاب و خوب بود. همچنین، حسام فرهنگند، دوست قدیمی من، نقش مهمی در جذابیت کار داشت. وی درباره همکاری با کارگردانان و بازیگران در پروژه‌هایش

ضرورت احیای بافت کالبدی شهر تاریخی استرآباد

لیلا حسین زاده- معاون وزیر راه و شهرسازی با اشاره به اهمیت تاریخی شهر استرآباد (گرگان) گفت: تمام تلاش ما باید احیای بافت کالبدی شهر تاریخی استرآباد به عنوان یک بافت تاریخی ارزشمند باشد. علیرضا گلپایگانی در حاشیه بازدید از بناهای تاریخی شاخص واقع در محله

سرچشمه شهر تاریخی استرآباد (گرگان) بر اهمیت بازگرداندن زندگی به این بافت ارزشمند با حفظ اصالت و هویت تاریخی آن تأکید کرد. وی بر اهمیت احیای بافت تاریخی شهر استرآباد (گرگان) تأکید کرد و افزود: احیای سنت‌ها در این بافت باید در دستور کار قرار گیرد و لازم است به صورت جدی روی آن کار شود. معاون وزیر راه و شهرسازی و مدیرعامل شرکت بازآفرینی شهری ایران با تأکید بر پویایی بافت تاریخی گرگان بیان کرد: بافت تاریخی گرگان جزو بافت‌های پویای کشور است و بناهایی که نیاز به مرمت و احیا دارند باید دوباره به زندگی بازگردند. این بناها بخشی از زندگی و هویت مردم منطقه هستند و باید به درستی به سایر هموطنان و گردشگران معرفی و تبلیغ شوند. گلپایگانی با اشاره به لزوم ایجاد خدمات

مناسب در این محدوده گفت: باید خدمات ارائه شده در بافت تاریخی طوری باشد که مردم ترغیب شوند در این بناهای تاریخی زندگی کنند. همچنین ایجاد تأسیسات گردشگری متناسب با هویت این اثر تاریخی باید مورد توجه قرار گیرد. در جریان این بازدید موضوعاتی همچون تسهیل روند سرمایه‌گذاری در بافت تاریخی، رفع موانع اجرایی در مسیر احیای بناها و ضرورت روایت‌گری هویتی در شهر تاریخی گرگان مورد تأکید قرار گرفت. خانه شیرنگی، مدرسه تاریخی تقوی، خانه تاریخی شعرباف، خانه تاریخی تقوی، خانه تاریخی سرای باقری (هتل بوتیک هفت پیکر)، خانه تاریخی شفیع، خانه تاریخی رضاقلی‌زاده (مجموعه اقامتی پذیرایی سرای خان) و خانه تاریخی کبیر از جمله بناهایی بودند که مورد بازدید قرار گرفتند.

خبر

تقویت اشتغال و جذب سرمایه گذار اولویت توسعه استان است

غزاله صیدانلو - نمایندگان استان گلستان در مجلس شورای اسلامی بر لزوم بازگشت دبیرخانه کارگروه اشتغال به اداره کل کار، تدوین سند توسعه اشتغال و فراهم سازی بسترهای جذب سرمایه گذار در استان تأکید کردند. در نشست مشترک نمایندگان استان گلستان در مجلس شورای اسلامی با مدیران شورای هماهنگی تعاون، کار و رفاه اجتماعی، موضوع اشتغال، سرمایه گذاری و ارتقای امنیت شغلی به عنوان اولویت های توسعه ای استان مطرح شد. رحمت الله نوروزی، با تأکید بر لزوم استفاده از ظرفیت های صندوق بازنشستگی و شرکت شستا برای سرمایه گذاری در گلستان، گفت: بازگشت دبیرخانه کارگروه اشتغال به اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان می تواند زمینه تصمیم گیری های مؤثرتر در حوزه اشتغال را فراهم کند. نماینده مردم علی آباد کتول در مجلس شورای اسلامی، همچنین بر تدوین سند آمایش و توسعه اشتغال برای ساماندهی وضعیت موجود تأکید کرد. رمضانعلی سنگدوینی، نماینده گرگان و آق قلا، نیز بر ضرورت تقویت نقش اداره کل کار در تصمیم گیری های اشتغال محور تأکید کرد و گفت: ارتقای امنیت شغلی در بخش خصوصی و بهبود روابط کارگر و کارفرما باید در اولویت قرار گیرد. سید نجیب حسینی، نماینده مینودشت، گالیکش، کاله و مراوه تپه، خواستار ارسال اطلاعات دقیق و کارشناسی از سوی دستگاه های مرتبط به مجمع نمایندگان استان شد و افزود: ایجاد فضای امن و مساعد برای حضور سرمایه گذاران در گلستان، ضرورتی جدی است. عبدالجلیل ایری، نماینده کردکوی، بندرگز، ترکمن و گمیشان، با انتقاد از نگاه آماری به اشتغال، بر لزوم تدوین سند جامع توسعه اشتغال استان تأکید کرد و گفت: مردم باید تأثیرات ملموس سیاست های اشتغال زایی را در زندگی خود احساس کنند. عبدالحکیم آرکاکلی، نماینده گنبد کاووس و رئیس مجمع نمایندگان گلستان، با اشاره به برگزاری جلسات مستمر با مدیران بخش رفاه اجتماعی، تأکید کرد: ایجاد اشتغال و ارتقای سطح رفاه مردم، در راستای تحقق منویات رهبر معظم انقلاب، مسئولیتی است که باید با جدیت دنبال شود.

گلشانه

۰۱۷۳۲۲۴۴۳۰۲

۰۱۷۳۲۲۴۱۱۹۵

سلطان بود. چونکه از هستی خود، او دور شد منتهای کار او محمود بُد

چونکه ایاز از خودبینی فاصله گرفت، عاقبت کار او ختم به خیر شد. ایاز کنایه از بندهی عاشق و سلطان محمود کنایه از خداوند است. یعنی سرانجام ایاز وجود خود را در وجود سلطان فانی کرد و بطور کامل در برابرش روش خاکساری در پیش گرفت.

ز آن قوی تر بود تمکین ایاز

که زخوف کبرکردی احتراز

ثبات و پایداری ایاز قوی تر از آن بود که پرهیز او از بیم گرفتار آمدن به تکبر باشد. اگر ایاز هر صبح به اتاق خاص خود می رفت و چارق و پوستین خود را نظاره می کرد بدین خاطر نبود که از گرفتار آمدن به تکبر می هراسید، چه او از دامگاه کبر و غرور رهیده بود و جای چنین محکم کاری و ترسی نبود. به دلیل آنکه ایاز (انسان کامل) گردن کبر را با شمشیر توحید قطع کرده بود.

او مذهب گشته بود و آمده

کبر را و نفس را گردن زده

ایاز انسانی پاک واصل بود و گردن تکبر و نفس اماره را قطع کرده بود، پس تماشای چارق و پوستین به خاطر محو صفت تکبر نبود و چه او از این صفت پاک و به طور مفصل و زیبایی رها شده بود.

وسيله عروج معنوی چیست؟ همین فنا و نیستی است. یعنی بوسیله نفی انانیت و رفع خود بینی می توان به مراتب عالیه عرفانی رسید. زیرا دین و مذهب عاشقان حقیقی، خاکساری و نفی خودبینی است. قطعاً خود بینان و مستکبران به عروج معنوی نتوانند رسید. پوستین و چارق آمد از نیاز در طریق عشق، محراب ایاز

ایاز(غلام سلطان محمود غزنوی) از روی نیاز در راه عشق، پوستین و چارق را محراب خود کرده بود. همانطور که ایاز هر روز صبح قبل از رفتن نزد سلطان محمود، ابتدا به پوستین و چارق دوران چوپانی خود می نگریست تا گذشته اش را فراموش نکند و متکبر و خودبین نگردد. تو ای انسان هر لحظه در این اندیشه باش که در اصل مشتئ خاک و نطفه ای عفن و بد بو بوده ای و سرانجام نیز جیفه ای بی جان خواهی شد، پس اینهمه تکبر بهر چیست؟ گرچه او خود شاه را محبوب بود ظاهر و باطن لطیف و خوب بود گرچه ایاز محبوب سلطان محمود بود از حیث ظاهر و باطن نیز خوب و زیبا بود.

گشته بی کبر و ربا و کینه ای

حُسن سلطان را زُخش آینه ای

ایاز فاقد تکبر و ربا کاری و کینه بود و رویش آینه ی



عروج معنوی در مثنوی شریف



محمدرضا ایزد

چیست معراج فلک؟ این نیستی عاشقان را مذهب و دین نیستی



ایران؛ میهنی که در قلب همه زنده است



محسن عالمی

باشیم؛ یکی با امید، یکی با گلیه، یکی با پرسش. اما نگاه ما به بیرون، به چشم طمع ورز دشمن، روشن و یک صد است:

«ایران را نه می فروشیم، نه فراموش می کنیم»

ایران، نه در دست دولت ها، نه در اختیار جناح ها، که در دل مردم زندگی می کند؛

در بغض مادری که پسرش را به خاک سپرد، در سکوت پیرمردی که جنگ را دیده، در اشک نوجوانی که پرچم را بغل می گیرد.

این حس، از میان سال ها سختی، جنگ، تحریم، اختلاف و حتی خشم گذشته، اما هنوز هست، چرا که ایران، فراتر از سیاست، برای ما معنا دارد. در روزهایی که دشمنان این خاک خیال خام بر طمع آن دارند، مردم بار دیگر نشان داده اند که ممکن است از دولت ها انتقاد کنند، اما از وطن شان هرگز، غرور ملی، هویت تاریخی، زبان، خاک و فرهنگ، خط قرمزهای ماست.

و این یعنی: ایران زنده است،

نه فقط در نقشه ها، که در قلب های ما.

و تا دل ها زنده اند، این وطن، پابرجاست.

در روزهایی که حادثه، التهاب و نگرانی در میان خبرها تکرار می شوند، ملت ایران بار دیگر نشان داد که عشق به میهن، ریشه دارتر از هر اختلاف و عمیق تر از هر زخم است. میهن دوستی در ایران، امری تزئینی یا شعاری نیست؛ بلکه احساسی زنده، جاندار و جاری در تار و پود زندگی مردم است؛ حسی که وقتی وطن زخمی می شود، بی هیاو و بی وقفه خود را نشان می دهد. این وطن مصر و عراق و شام نیست این وطن شهری ست کان را نام نیست امروز ایران، فقط نام یک سرزمین بر نقشه نیست؛ ایران، خاطره ی مشترک یک ملت است؛ زبان مادری، لهجه ی پدر بزرگ، خاک آرامگاه مادر، هوای خانه ی کودکی. در دل هر ایرانی، با هر دیدگاهی، تصویری از وطن هست که جان را به آن گره زده؛ چه در دل حامیان وضع موجود، چه در دل منتقدان و حتی معترضان. و درست در لحظاتی که تهدیدی از بیرون این مرزها سر بر می آورد، همه ی این دل ها، از تفاوت ها عبور می کنند و در دفاع از وطن، در غیرت خاک، کنار هم می ایستند. ما ممکن است نگاه های متفاوتی به درون داشته

توسعه کشت آفتابگردان با پشتوانه کود یارانه ای



پروتئین، به عنوان مکمل غذایی برای دام و طیور استفاده می شود. وی همچنین از تامین کودهای یارانه ای «ازت، فسفات و پتاس» برای توسعه کشت آفتابگردان خبر داد و گفت: طبق برنامه الگوی کشت، در اراضی آبی ۱۰۰ کیلوگرم از هر نوع کود پایه و در اراضی دیم ۵۰ کیلوگرم فسفات و ۵۰ کیلوگرم پتاس در سامانه کنترل و پایش مواد کودی بارگذاری شده است و کشاورزان می توانند برای دریافت سهمیه خود به مراکز خدمات شهرستان ها مراجعه کنند. مدیر شرکت خدمات حمایتی کشاورزی استان گلستان با تأکید بر لزوم حمایت دولت برای توسعه کشت این محصول، از ذخیره سازی بیش از ۱۱ هزار تن انواع کود پایه در انبارهای استان خبر داد و خاطر نشان کرد: هیچ گونه نگرانی برای تأمین نهاده های کشاورزان وجود ندارد.

گزینه ای مناسب در شرایط کم آبی به شمار می رود. محمدرضا ایزد: روغن آفتابگردان به دلیل دارا بودن مقدار زیادی اسید چرب غیراشباع لینوئیک، کیفیت بالایی دارد و کنجاله حاصل از روغن کشی نیز به دلیل میزان بالای

کیلوگرم و از اراضی دیم بین ۸۰۰ تا ۹۰۰ کیلوگرم محصول برداشت شود. مدیر شرکت خدمات حمایتی کشاورزی استان گلستان با اشاره به مزایای کشت آفتابگردان گفت: این محصول به علت نیاز کمتر به آبیاری و هزینه تولید پایین،

مدیر شرکت خدمات حمایتی کشاورزی گلستان از تامین کود یارانه ای برای توسعه کشت آفتابگردان روغنی در استان خبر داد و گفت: با هدف مدیریت منابع آب، تأمین روغن خوراکی و استفاده از ظرفیت های کم هزینه کشاورزی، امسال ۲۲۰۰ هکتار از اراضی آبی و دیم استان گلستان زیر کشت آفتابگردان روغنی می رود. به گزارش روابط عمومی، مجید محمدی اظهار کرد: طبق برنامه الگوی کشت و سطح مصوب کشت انقباضی و نیاز آبی، در سال جاری ۲۲۰۰ هکتار از اراضی آبی و دیم استان به زیر کشت محصول آفتابگردان روغنی می رود و میزان نیاز آبی این محصول ۷ هزار و ۳۰۰ متر مکعب برآورد شده است. وی افزود: زمان کشت آفتابگردان تا پایان تیر ادامه دارد و پیش بینی می شود از هر هکتار زمین آبی بین ۱۱۰۰ تا ۱۲۰۰



هو هو هو



فرزاد خلدنگ، گرگان

به روح روستا باخته بودیم، آن‌ها ریخته بودند و آخرین درخت‌ها را هم بن‌کن کرده بودند. سرهامان پایین بود تا نتوانیم چشم‌های هم را ببینیم و زیانمان هم آن‌قدر لال که نتواند سلامی بدهد تا شاید درد این ننگ کمتر شود. او هم می‌نشست روی تل خاک‌ها زیر سایه‌ی همان دیوار تا نیمه کاه‌گلی‌ی خانه‌ی ما. می‌نشست و می‌شنید که باد چگونه لای برگ‌ها نمی‌چرخد و چطور جوی آب صدا نمی‌دهد وقتی از بین سپیدارهای روبروش نمی‌گذرد. کار هر روزه‌اش همین است، خودش را می‌کشد و به زور می‌رساند آن‌جا و تا شب نشده برنمی‌گردد خانه‌شان. البته پنج‌شنبه‌ها برنامه‌ی دیگری هم دارد. می‌رود سمت قبرستانی، همان‌جایی که وقتی برگشت، خودش را دفن کرد. می‌رود سمت قبرستانی و توی فاصله‌ی قبر خودش و بی‌بی زیر سایه‌ی درخت بلوط دراز می‌کشد و بی‌هیچ لب‌زدنی با صورتی که ریش‌ها سفیدی‌اش را پنهان کرده‌اند از بین برگ‌ها آسمان را نگاه می‌کند و به خواب می‌رود و شاید خواب سیمین را می‌بیند. سیمینی با موهای بور و چشم‌های طوسی وقتی که شالی به رنگ سدرهای لبنانی روی سرش دارد. نمی‌دانم او مرگ خودش را باور کرده یا نه، اما وقتی خبر مرگش توی ده پیچید نیم روستا باور کردند و نیم دیگر نه، پیچیده بود که برمی‌گردد و پیچیده بود که گمش کرده‌اند و قطعاً مرده، مثل داستانی که مادرم تعریف می‌کند و می‌گوید: «وقتی داییت به دنیا اومد اونقدر آروم بود که فکر کردیم نفس نمی‌کشه و مرده. پلک هم نمی‌زد، کبری، تو یادت نمیادش، قابله بود، با همون روسری برعکس بسته روی سرشو، اون آستین‌های تا آرنج بالا زده. دایي اسمالتو از پاهاش گرفت و برعکس کرد و دو تا با کف دست گناشت پشت کمرش و بعد اسمال گریه کرد و کبری جیغ زد که اسمال رو من زنده کردم. اسمال مرده به دنیا اومده بوده، من زندهش کردم.» بی‌بی هم توی همین گفتن‌های نبودن و آمدن اسمال بود که طاق و جانش با هم تمام شد و دفنش کردیم، قبل از اینکه اسمال برگردد. وقتی برگشت از هفتش نگذاشته بود و قبرستانی هنوز بوی مردگی می‌داد. او فهمید، نیامد سمت خانه‌ها. همان ابتدای آبادی جایی که یک درخت ون راه را دو قسمت می‌کند رفته بود سمت چپ و بعد کنار قبر بی‌بی، توی قبری که منتظر خودش بود، شب تا صبح دراز کشیده و بعد کوله‌اش را دفن کرده و بعد با یک دست رویش خاک ریخته. صبح که با لباس خاکی آمد توی روستا، بعضی‌ها گفتند توی کوله‌اش چیزی جز لباس و چند عکس چیز دیگری نبوده، بعضی‌های دیگر هم گفتند تنها پلاکش بوده و من فکر می‌کنم نمی‌از خودش، دست و پایي که حالا ندارد و صدایی را که گم کرده، آن‌جا کنار بی‌بی گذاشته و برگشته، تا من شب‌ها خوابم نبرد وقتی هوهوی او را نمی‌شنوم. از سمت راست، درست بعد از آب‌انبار صدایش

می‌آمد و می‌پیچید بین کوچه‌ها، از دیوارها بالا و بعد از پنجرک چوبی تو، یا از بین خراش چوب‌های در می‌رسید به گوش همه. صدایش مسیر آب و درخت‌ها را می‌گرفت و این همه راه می‌آمد که بگوید: «هو هو هو» و ما بفهمیم که امشب اسمال بیدار است و نه گرازی به مزرعه و باغ‌ها می‌زند و نه کسی آب را می‌دزد. اما همه این‌ها گم شده و اسمالی که حالا داشتیم چیزی جز همه‌ی این‌ها بود. نیم روستا فکر می‌کردند، موج صدایش را گرفته، نیم دیگر یاد بی‌بی می‌افتادند و من تنها کسی بودم که می‌دانستم او صدایش را دفن کرده و تنها توی خواب‌هایش می‌گوید: «هو هو هو». اوایل مادرم هم باور نمی‌کرد اسمال حرف نزند. کسی که شب‌ها صدایش تپه‌ها و روستا را بیدار نگه می‌داشت و روزها حیاط و شور خانه را. مادرم که روستا را بدون صدای برادرش نیمه‌جان و موهای خودش را سپیدتر می‌دید، می‌گفت: «اگه سیمین رو دوباره ببینه» «اگه یانش بیاد چقدر زور اونو می‌خواسته» «اگه یاد اون ترانه بیفته» «دوباره میشونه، دوباره حرف می‌زنه، دوباره می‌خونه» اما همه‌ی این‌ها حرف‌های مادرم بود، سیمین حالا امیر را با چشم‌هایی طوسی و پرستو را با موهایی بور داشت که هیچ شباهتی به دایي ام نداشتند. همه می‌دانستند سیمین هم اسمال را می‌خواهد اما خواستن هم حلی دارد و گاهی مجبور می‌شوی تنها توی عروسی‌ات وقتی کنار پسرعمه‌ات نشسته‌ای و به او فکر می‌کنی از این روستا بروی. آن‌ها هم با پسرعمه‌ی زدی که همه او را برای بن‌کن شدن درخت‌ها و خشک شدن آب انبار و سکوتی که روستا را گرفته، مقصر می‌دانند. اما نمی‌توانند به زبان بیاورند که دلشان برای سایه‌ی درخت‌ها لک زده است و اسمالی را می‌خواهند که قلش بلندتر از همه باشد و چارشانه با آن موهای روی گوش و صورتی روشن بدون ریش توی شب جلوی دیگران بایستد و تفنگشان را از کمر بشکند و شب‌های بعد تا هویی او را می‌شنوند از پشت هفت‌تپه این سمت نیانند. اول از درخت‌های باغ کل عباس شروع کرده و حالا رسیده بودند به آخرین قطره‌های کف آب‌انبار و چند درختی که دیشب خشک شد. مادرم غذای اسمال را به من داد که برایش ببرم، عدس پلو را لب به لب ریخته بود توی بشقاب استیل و ماست را توی کاسه‌سغالی کنار یک لیوان گذاشته بود توی سینی. سینی را گذاشتم جلوی، نگاهم نکرد: «دایي اسمال بخور که کم‌کم باید از اینجا بریم» «دیشب کار ون قبرستونی رو هم ساختن» «درختای اینجا که تموم بشه می‌زن سراغ درختای قبرستونی...» «دایي جان بخور که از غذاهای آخریه که اینجا می‌خوریم، بابا دیشب زنگ زد بود باجه، مامان می‌گفت بابا گفته قرار بریم شهر، بعد چند هفته گشتن کار پیدا کرده» «گفته روستای بدون آب و درخت که زنده نیس. همیشه توش زندگی کرد» - درختای قبرستونی، قبرستونی ...

خلوتش را به هم زده بودند، به روی خودم نیاوردم که حرف زده، توی حیاط رفته و در را بسته، کوبی در که ساکت شد، بلند شد. سینی دمر شد روی خاک‌ها و اسمال عصایش را زد زیر دست چپ و از دیوار گرفت و رفت سمت قبرستانی. پی‌ش را گرفتم، بدون این‌که به ون نگاه کند پیچید سمت راست قبرستانی، توی پا و عصایش می‌دیدم که هول برش داشته، چند قدم رد نشده بود که محکم خورد زمین، لباس‌هایش خاکی شده بودند، عصا را برداشت به قبرستانی رسید، قبرها را یکی دو تا کرد، قبل این‌که به بلوط برسد، عصایش را پرت کرد و افتاد روی زمین، سمت قرش خزید و خودش را روی قبر خودش انداخت. از دور می‌شنیدم که اسمال می‌گریه و بی‌بی، بی‌بی می‌گوید و بعد به خودش فحش می‌دهد. سمتش رفته، عصایش را برداشتم و به بلوط تکیه دادم، دستم را گذاشتم روی شانه‌ی راستش، اول فحش بند آمد و بعد نوازش بیشتر هق‌هقش. چرخید رو به آسمان، با این‌که یک دست و پا کم داشت، اما هی‌کلش کل قبرش را پوشانده بود، انگار وقتی قبرش را می‌کنند، هی‌کل او را فراموش کرده بودند یا شاید هم منتظر بودند چند لباس خاکی و یک پلاک دفن کنند. چند دکمه‌ی پیراهن یقه چرکی‌اش باز بود. پیراهنش خیس عرق و صورتش

خیس گریه بود و نفس نفس می‌زد، آرام نفس‌هایش رام شدند. نشست و به من نگاه کرد و فهمیدم امشب باید مسیر آب‌انبار تا پشته را پیاده برویم. گفت: «اذون رو که گفتن، تفنگ بابات رو ور می‌داری میای دنبالم». هر چه می‌گفت تنها سر تکان می‌دادم. می‌گفت: «دیگه بسه، کافیه، دیگه نمی‌ذاریم کاری کنن، قضیه چوب خوردنشون یادشون رفته». این‌که من را کنار اسم خودش جمع می‌بست خوشحالم می‌کرد. تا اذان به فکر آن دعوی معروف سر آب بودم که چطور اسمال تنهایی جلوی بیست نفر از آن‌ها که می‌خواستند سهمیه آب روستا را بلزندن و نصف کنند ایستاده بود و همه‌شان را از زیر چویش رد کرده. بعد آن‌شب دیگر کسی جرئت نکرده که سمت جوی آب بی‌موقع برود و آب‌زدی گم شد. اذان را نشنیده از بین حرف‌های مادرم که می‌گفت: «تفنگ رو کجا می‌بری، اگه بابات بفهمه می‌کشلت، هی ذلیل مرده، کریم با توأم، کاری نکنیا...» رد شدم و پشت در نیمه‌باز حیاط خانه اسمال رسیدم. اسمال هم با همان لباسی که ظهر به تن داشت آمد. بیل را داد دستم. بند تفنگ را پشتم کردم و دسته بیل را توی دستم می‌فشردم. راه افتاده بودیم، اسمال جلو بود من هم پشت سرش. شب آن‌قدری تیره بود که سفیدی لباس اسمال را گم کند و کسی نبیندش. سمت آب‌انبار رفتم. مسیر جوی آب را گرفتم، به جایی رسیدیم که آب راهش را کج کرده بود و می‌رفت پشت هفت‌تپه. این‌جا دقیقاً همان‌جایی بود که قبل از این‌که اسمال به دنیا بیاید، پدر کل عباس را صبح یک روز وقتی باد کرده بود، پیدا کرده بودند. با بیل زده بودند توی سرش و او جابه‌جا مرده بود. خون هم کلاه سبزش را برداشته و هم ریش تا نیمه سفیدش را. اینها را بی‌بی برایمان تعریف می‌کرد وقتی می‌خواست به اسمال بگوید حواست باشد، آنها نامردی‌ها از پشت سمت مردها می‌آیند و تو یک مردی. اسمال با عصایش جایی را نشان داد که خشک‌تر از اطرافش بود و گفت: «می‌گن خون این قسمت رو وورداشته بوده». اسمال عصایش را چرخاند و اشاره کرد راه آب را عوض کنم. آب نیم جو را بیشتر پر نکرد. اسمال گفت: «همینجا بشین». بعد خودش را کشید و رفت روی نیم‌تپه‌ای و از سر چند جهت: «هو هو هو» صدا توی تپه‌ها پیچید و از سر تا پای‌شان بالا و پایین رفت. مسیر آب و درخت‌ها را گرفت و آمد پیچید بین کوچه‌ها، از دیوارها بالا و بعد از پنجرک چوبی تو یا از بین خراش چوب‌های در رسید به گوش همه. از دور می‌دیدیم که چراغ خانه‌ها یکی یکی روشن می‌شود و پنجره‌ها باز می‌شوند و اسمال دوباره و بلندتر: «هو هو هو». برخلاف ترسی که داشتم و مجبورم می‌کرد با ماشه‌ی تفنگ بازی کنم و مرتب نشانه بروم سمت راه‌کشی که آن‌ها را می‌کشاند این‌جا، کسی سمت گذر آب نیامد. روز بعد روستا را همه‌همه برداشته بود که صدای اسمال دوباره برگشته و حالا می‌تواند بقچه‌های رفتنشان را باز کنند، بعضی‌ها هم دو به شک بودند که صدایش برگشته اما دست و پایي که ندارد و قلبی که روی عصا خم شده و صورت سفیدش چه؟ شیش عده‌ای همراه ما آمدند و تنها نبودیم. به نیمه‌های شب سوم نرسیده بودیم که آب‌انبار سر پر شد و اسمال گفت: «کافیه برید آب رو راه بیدید سمت اونا» - اما اسمال اونا هر ماه فقط دو، سه بار آب رو این سمتی راه می‌دادن، اسمال این‌جوری دوباره هوا و روشن می‌داره که نکنه ما ترسیدیم بیان. اسمال روی عصایش چرخید و رو به مرتضی گفت: «همین که من گفتم». مرتضی عصیانیتش را زیر صدای اسمال گم کرد و زیر لب گفت: «دوباره به اینا رو بدیم آب‌انبار رو هم خراب می‌کنن». کل عباس تنهایی راه افتاد و آب را باز کرد سمت آن‌ها. از آن‌روز به بعد کل آبادی راه افتاده بودند و پای باغ‌هاشان و درخت‌هایی که خشک شده بودند را با بیل می‌کردند. منتظر بودند شب‌های بعد آب برسد به باغ آن‌ها و بهار که شد، دوباره بتوانند زیر سایه‌ها لم بدهند و آسمان را از بین برگ‌ها و شاخه‌ها نگاه کنند. منتظر بودند بلوط‌ریزان بشود تا از درخت‌های توی قبرستانی بلوط بیاورند و توی روستا بکارند. منتظر بودند که بوی گندم تمام روستا و تپه‌ها و دستشان را بردارد.

شب‌هایی که آب سهم روستای ما بود، نوبتی با اسمال و چند تفنگ پر می‌رفتیم سمت گذر آب. اسمال هو می‌کشید و بعد ... کل عباس می‌گفت: «حتما اومدنو وقتی دیدن چند نفریم برگشتن، تفنگ رو که ببینن این‌جوری می‌شه». اما من با خودم می‌گفتم: «اسمال رو که ببینن این‌طور می‌شه». اسمالی که حالا شب تا صبح را بیدار می‌ماند و صبح تا ظهر را می‌خوابید و هر روز می‌رفت سمت قبرستانی و تا بعد اذان بین قبر خودش و بی‌بی زیر سایه‌ی بلوط لم می‌داد و از بین برگ‌ها و شاخه‌ها آسمان را نگاه می‌کرد و شاید به روح روستا فکر می‌کرد که حالا نیمه زنده شده است. بلوط ریزان شروع شده بود و بی‌شک اسمال را یاد جایی می‌انداخت که از آن برگشته بود. هر شب می‌شنیدم که توی سرش صداهایی می‌چرخیدند و او بلندتر هو می‌کشد، طوری که انگار دارند دوباره دست و پایش را جلا می‌کنند و او قرار است دوباره برگردد و بی‌بی را از دست بدهد و مثل این‌روزها سیمین را با بچه‌هایش ببیند که بی‌شوهر با صورتی کبود و مویی پریشان برگشته به روستا و بعد وقتی با چشم‌های طوسی او روبرو می‌شود، اسمال خودش را دفن کند. دفن کردنی که دیگر قرار نیست از آن برگردد. امشب نوبت من بود که با اسمال بروم. پریشانی‌ی اسمال مرا هم پریشان کرده بود. بقچه‌ای که مادرم پیچیده بود را باز کردم، هنوز آتش را راه نینداخته بودم تا کندوک جوش بیاورد و بین صحبت‌ها مان چای باشد که اسمال با عصایش به پهلوم زد و اشاره کرد که دست بردارم. ادامه نادم. هرکدامان پشت تپه‌ای جا گرفتیم. نزدیک‌تر که آمدند شمردم‌شان. با شوهر سیمین که جلو دارشان بود می‌شدند پنج نفر. از ما که رد نشده بودند که اسمال را دیدند کرد و جلدی پرید جلوی‌شان. همین‌که اسمال را دیدند چند قدم عقب رفتند. من هم آمدم و کنار اسمال ایستادم. عبدال شوهر سیمین خنده‌ای زد و گفت: «فقط دو نفر؟» بعد برگشت و بقیه همراهانش را زل زد و بلندتر خندید. هنوز سمت ما نچرخیده بود که اسمال خودش را به او رساند و با عصایش محکم پشت پایش کوبید. عبدال اول روی اسمال تکیه داد و بعد این‌که اسمال هولش داد، دمر روی زمین افتاد. همه چند قدم عقب رفتند. تفنگ را توی دست هایلیم محکم‌تر نشانه گرفتیم. اسمال با عصا عبدال را که توی خاک و خل به خودش می‌پیچید، چرخاند و عصایش را روی گلوئی او گذاشت. عبدال نفس نفس می‌زد و بقیه ملام عقب‌تر می‌رفتند و من می‌آمدم تا کنار اسمال صورت عبدال را نگاه کنم که ترس و عرقش با هم قاطی شده. اسمال گفت: «حیف که قبلاً هم بازی بودیم و شوهر ...» اسمال مکثی کرد و بعد و ادامه داد: «و الا الان با خوتون این‌جارو رنگ می‌کردم. برید گمشید». عصایش را از گلوئی عبدال برداشت، دیدم که عبدال خودش را روی زمین عقب می‌کشد و اسمال کم‌کم دیگر قلش روی عصا خمیده نیست. طولی نکشید که سیاهی آن‌ها را گم کرد. اسمال برگشت اما عصا زیر دستش چرخید و خورد زمین. سمت اسمال رفتم. کمکش کردم که بلند شود. پیراهنش خیس و رنگی بود. چیزی نگفت، دستک را گرفت و تا جای بقچه برگشتیم. - هول ورت نداره، چیزیم نیس می‌گم می‌خوای تو امشب هو بکشی؟ حرف هو کشیدن من که آمد هم خوشحال شدم و هم ترس برم داشت. اگر صدایم جوی آب را پیدا نمی‌کرد و همان‌جا بین تپه‌ها خفه می‌شد، من چگونه می‌توانستم توی چشم‌های اسمال نگاه کنم. اسمال که در گیر و دار بودن من را دید، چند هو کشید و بعد گفت: «با من بگو». بین هوهوی اسمال گم شده بودم. کم‌کم بلند و بلندتر هو کشیدم و صدای اسمال که پهلوش را اذیت می‌کرد پایین‌تر آمد. تا این‌که تنها من بودم و هوهویی که توی تپه‌ها پیچید و از سر تا پای‌شان بالا و پایین رفت. مسیر آب و درخت‌ها را گرفت و آمد پیچید بین کوچه‌ها، از دیوارها بالا و بعد از پنجرک چوبی تو یا از بین خراش چوب‌های در رسید به گوش همه. این من بودم که حالا هو می‌کشیدم؛ کنار اسمالی که آرام دراز کشیده بود و آسمان را نگاه می‌کرد و تنها به آسمان نگاه می‌کرد. طوری که انگار اینبار خودش را در چیز دیگری دفن کرده، حا یا آسمان یا جای مثل صدای من که هو هو هو ...

داستانک آیات

استان گلستان در سال ۱۳۹۹، طراح و میزبان نخستین جشنواره ملی داستانک قرآن و عترت بود. آثار راه یافته به مرحله نهایی این جشنواره در این ستون تقدیم خوانندگان می شود.

۲ داستانک از عزیزالله محمدپور، بابل



پرستار

دکتر: وضع مهره هات به مرحله حادی رسیده؛ باید فوراً عمل بشه.
- نمی تونم.
دکتر: اگه مشکلتون خرج عمله، بیمه تقبل می کنه.
- فرصتشو ندارم.
دکتر: اگه شاغلی، مرخصی استعلاجی بگیر.
- گواهیشو می نویسم.
- نمی شه.
دکتر: چکاره ای؟
- خونه دارم.
دکتر: اینکه خیلی خوبه، فردا با همراست بیا برای عمل جراحی.
- نمی شه.
دکتر: از عمل می ترسی؟ شماره شوهرتو بده، خودم باهاش تماس می گیرم همراهیت کنه.
- نمی تونه.
دکتر: چکاره است؟
- جانباز قطع نخاعی.

من موجی نیستم

مرد، جلوی آینه ایستاد و حرف های روان پزشکش را تکرار کرد: «کسی که کنارمه، همسرمه، نه یک یهشی...»
همزمان صورت کبود زن را دید که به او لبخند می زد.



ما،

خود حقیقتیم که لباس خبرنگاری پوشیده ایم



علیرضا ابری

برای حمله رژیم جعلی به صداوسیما ما صدایمان را از میان خاکستر کابل ها و سوخته سیم ها به گوش جهان خواهیم رساند
رژیم گرگ صفت با دندان های خشم به آینه ی ما پرید
اما تصویر در دل مردم ماند
ما
خون را از روی دوربین پاک نمی کنیم
ما
آن را قاب می گیریم
و در آغاز هر پخش زنده می نشانیم
تا دنیا بداند
چه کسی از نور می ترسد
ای کاخ تاریکی تو با موشک هایت
به حقیقت حمله کردی
نه به دیوارها
و نفهمیدی
که آتشن ها
ریشه در خاک دارند
و خاک
مادر ایمان است
خانم امامی
ای خواهر واژه ها
ای بانوی ایستاده در نور
صدای تو
از تپش دل این مردم می آید
نه از بلندگوی استودیو
بگو به آن ها
که ما را نمی شود سانسور کرد
ما، خود حقیقتیم
که لباس خبرنگاری پوشیده ایم
و بدان ای رژیم کودک کش
که بمب هایت
فقط دیوارها را می شکافد
نه حنجره هایی را
که با خون شهدا وضو کرده اند



اینجا بهشت امید است و اشتیاق آفاق صبح و کبوتر است
رنگین کمان اهورایی شکوه اردیبهشت تر از هرچه منظر است
اینجاست باغ بهار آور امید
باغی پر از گل و سرو تناور است
بر دوستان خنکای سپیده دم
بر جان خصم وطن هرم آذر است
اینجاست پیشه ی شیران نیز چنگ آغوش رستم سهراب پرور است
اینجاست عرصه ی سیمرغ اقتدار
مرگ تو ای مگس اینجا مقدر است*
بر دشمنان ندهد فرصت حضور
کز نام پاک شهیدان معطر است
باشد محال که گردد اسیر کفر
اینجا قلمرو «الله اکبر» است
* توضیح:

در بیت ۷ اشاره به بیت حافظ:
ای مگس! عرصه ی سیمرغ نه جولانگه
توست
عرض خود می بری و زحمت ما می داری.

سحرهای امامی



قاسم شیخ حسینی، فاضل آباد

تقدیم به بانو سحر امامی، خبرنگار قدرتمند صدا و سیمای ایران عزیزم

سحرهای امامی مان، که جان دیگری دارند
چو اقیانوس موجستان، کران دیگری دارند
حریم عشق بازی شان، خلاف مردم، هیزان
به چشمان، آذر نور و مکان دیگری دارند
به دژهای نماز آند، به هفده باری باور
به بسم الله و با کوثر، اذان دیگری دارند
سمندر سابر آتش ها، دمان از مهر مهوش ها
برای دیو سردستان، دمان دیگری دارند
به فر، فر جا الحق، ز پیلان فنا مطلق
به سجیل ابابیلی، پیران دیگری دارند
به ناز جلوه جان قربان، وجان، جانانند
به جلد جوشن جوشش، توان دیگری دارند؟
خران را پرده سازندو، به پرده پرده بافتند
به هر پرده چه بی پرده، نشان دیگری دارند
چه اسرار مگو هایی، به رنگ و عطر پنهانی
گمانم در گمان ایشان، گمان دیگری دارند
نشانی های سرحل است، در خط افق هاشان
تمام نسل آرش ها، کمان دیگری دارند
نصیحت می کنند ایشان، فسوسا، گوش مردم، کر
خداوندا مگر اینان، زبان دیگری دارند
تولدهایشان فجر و ظهور مرگشان، مغرب
هم اینانی که در گردون، چمان* دیگری دارند.
پیلان ما نمرند و نمی میرند، مانایند
که حق جویان به هر کرسی، پلان دیگری دارند
خبر گویان، همه نامی، به انگشتان فتاحی!!
به این معنا که موشک ها، بیان دیگری دارند
۱۴۰۴/۳/۲۷
* چمان: خرامنده خرامان، پیاله ی شراب

سنگ ریزه های زیر پای ماست
شک نکن
بمب و موشک
اشک دشمن است.
گل بکار
گل بیار
برای آرزوی هر جوان
میهن عزیز ماندگار .

شعر گلستان

این خاک تاریخش هزار افسانه دارد



عبدالعلی دمانودی

نه ریشه داری نه کمی اندیشه داری
مانند گفتاری که سر در بیشه داری
کفتارها تا غرش شیر ی ببینند
از مرده خواری و رذیلت پا بچینند.
بی سرزمین، بی ریشه ها «بی» های بسیار
از این خبائثت های پست دست بردار
با بد کسی پیکار را آغاز کردی
درهای دوزخ را به رویت باز کردی

این خاک تاریخش هزار افسانه دارد
پیکار با اهریمن بیگانه دارد
هر ملت بی ریشه ای رو به هلاک است
دنیا بدون تو یقیناً پاک پاک است

در خاک وطن، ریشه ی ما می ماند



مرضیه ملکیان، گرگان

هر کار کنی، پیشه ی ما می ماند
شیرینی اندیشه ی ما می ماند
صهیون پلید، گفته ام قبلاً که
در خاک وطن، ریشه ی ما می ماند

قلمرو الله اکبر



شعبانعلی یاززلو، رامیان

این سرزمین که بلندای باور است
از قله های تصور، فراتر است

شعر ایران

منیژه درتومیان، متولد ۱۳۴۹ در بجنورد
استان خراسان شمالی، مجموعه های منتشر شده: «در حریم سادگی»، «مهمونی»
و چندین کتاب کودک و نوجوان

شب با فروغ و با گلستان فیلم می بینم



منیژه درتومیان، بجنورد

معجون ی از آب و نمک در من تلنبار است
در چشمم از این آب های شور بسیار است
این لکه های شوره بسته روی بالشتم
از روزگارم، روزهای خوش طلبکار است
نه روز من روز و نه شب، شب بوده است عمری
در من عبور لحظه ها، از روی اجبار است
با زندگی هر بار جنگیدم، زمین خوردم
با دست خالی جنگ، بی اندازه دشوار است
شب با فروغ و با گلستان فیلم می بینم
روزم تماماً در پی سعادی و عطار است
با سعد سلمان، حبس های مشترک دارم
هر چند من این سو و او آنسوی دیوار است
بالشت خیس و شعرهایی خسته و غمگین
این چرخه هر شب دایم در حال تکرار است

شعر جهان



سمیه رنوفی، گرگان

صلح واژه ای مقدس و
کبوتر است
کبوتری که
روی شانه های کشورم
قرن هاست
آشپانه کرده است
من کبوترم
تو کبوتری
ما که واژه هایمان
دل نوشته های استوار مان
واژه های عشق و مهر را
بر تن زمانه ثبت کرده اند
ما که رستمیم و آرشییم
ما که تن به تن
در هجوم سایه های سرد
پر خروش و استوار
ایستاده ایم
رود جاری زمانه ایم.
این پرنده های ریز

تابستانی بدون برنامه؛

فرصت سوزی پنهان در زندگی دانش آموزان



باشند، نمی توانند انتظار مدیریت صحیح این فضا را از فرزندان داشته باشند. بنابراین ضروری است والدین پیش از هر چیز، با اصلاح سبک زندگی خود، زمینه تربیت سالم فرزندانشان را فراهم کنند. مظفری تابستان را دوره‌ای طلایی برای شکوفایی توانایی‌های فردی دانش‌آموزان توصیف کرد و ادامه داد: برخلاف ایام تحصیلی که برنامه‌ها عمدتاً در چارچوب مدرسه و الزام‌های آموزشی پیش می‌رود، در تابستان اختیار و انتخاب در دست خود دانش‌آموز است و می‌تواند با اراده شخصی در مسیر تقویت توانایی‌های درسی یا رشد استعدادهای فردی خود گام بردارد. وی در پایان، مراکز مشاوره آموزش و پرورش را مرجعی معتبر برای شناسایی وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان معرفی کرد و گفت: کارشناسان این مراکز با بهره‌گیری از روش‌های علمی، توانایی‌ها و نقاط ضعف دانش‌آموزان را ارزیابی کرده و اطلاعات دقیق‌تری در اختیار خانواده‌ها قرار می‌دهند؛ موضوعی که می‌تواند مسیر برنامه‌ریزی مؤثرتر برای تابستان را هموارتر سازد. مظفری در جمع‌بندی سخنان خود تصریح کرد: تابستان فرصتی ارزشمند برای محک زدن توانایی‌ها و کشف استعدادهای دانش‌آموزان است. اگر با نگاه فرصت‌محور به این فصل نگریسته شود، می‌توان زمینه‌ساز رشد فردی و تقویت مهارت‌های زندگی نسل آینده بود.

بلکه با افزایش سطح پرخاشگری در ارتباط مستقیم است. این روان‌شناس بر نقش والدین در مدیریت صحیح فضای مجازی تأکید کرد و گفت: والدین نخستین الگوی رفتاری فرزندان هستند و زمانی که خودشان درگیر استفاده بی‌رویه از فضای مجازی

اشاره به چالش‌های تربیتی نسل امروز افزود: یکی از مسائل جدی کودکان و نوجوانان، غرق شدن در فضای مجازی و صرف زمان طولانی در این بستر است. استفاده افراطی از تکنولوژی و شبکه‌های اجتماعی نه تنها بهره‌وری فردی را کاهش می‌دهد

یک روانشناس گلستانی گفت: با آغاز تابستان، دانش‌آموزان وارد دوره‌ای می‌شوند که می‌تواند بستر رشد تحصیلی و تقویت مهارت‌های فردی باشد؛ اما در غیاب برنامه‌ریزی هدفمند، این فصل طلایی به زمانی برای فراموشی نظم، افت تحصیلی و وابستگی بیشتر به فضای مجازی تبدیل می‌شود. با فرارسیدن تابستان، بسیاری از دانش‌آموزان وارد مرحله‌ای از فراغت می‌شوند که می‌تواند به فرصتی برای رشد و شکوفایی استعدادهای تبدیل شود یا در صورت نبود برنامه‌ریزی مناسب، به زمان بی‌هدف و اتلاف‌شده‌ای بدل شود. از همین رو، مدیریت صحیح این ایام از جمله نگرانی‌های مشترک خانواده‌ها، مسئولان آموزشی و فعالان حوزه تربیتی به شمار می‌آید. به گزارش ایسنا، عباس مظفری، روان‌شناس گرگانی، تابستان را فرصتی مغتنم برای جبران و تقویت دانست و اظهار کرد: تعطیلات تابستان این امکان را فراهم می‌کند که دانش‌آموزان با توجه به سطح تحصیلی خود، برنامه‌ای متناسب تنظیم کنند؛ به‌گونه‌ای که دانش‌آموزان ضعیف بتوانند با حضور در دوره‌های تقویتی، ضعف‌های درسی خود را جبران کنند و دانش‌آموزان با سطح متوسط نیز با برقراری تعادل میان مرور دروس و پرداختن به علائق شخصی، از این فرصت به شکلی هدفمند بهره‌مند شوند. وی با

«آگهی ثبتی

آگهی تحدید حدود اختصاصی

بدینوسیله اعلام میگردد به استناد ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف، تحدید حدود ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به مساحت ۱۶۴.۷۵ مترمربع دارای پلاک ۱۵۳۶۳ فرعی از ۳ اصلی واقع در اراضی اوزینه بخش ۳ حوزه ثبتی منطقه ۲ گرگان ملکی آقای عیسی محمدخانی فرزند علی اصغر در ساعت ۹ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۱ به آدرس استان گلستان، شهرستان گرگان، بخش مرکزی، شهر گرگان، اوزینه مرکزی، بلوار شهید آیت الله کاشانی، بن بست آیت الله کاشانی ۲۴، پلاک ۶۹، طبقه همکف کدپستی ۴۹۱۵۹۱۴۶۹۸ به عمل خواهد آمد از این رو چنانچه مجاوری نسبت به حدود یا حقوق اترافقی حقی برای خود قائل است میتواند فقط تا سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک به اداره ثبت شهرستان گرگان تسلیم نموده و علاوه بر آن ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می تواند بدادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. تاریخ انتشار: دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۰۹ سیدعبسی میرکاظمی- سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان از طرف محمد فندرسکی- شناسه آگهی ۱۹۵۵۵۷۵

آگهی اختصاصی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی سال ۱۴۰۴

در اجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ - آئین نامه اجرایی قانون مزبور مقرر می دارد که پرونده هایی که به موجب آراء هیات محترم مستقر در ثبت اسناد و املاک رامیان منجر به صدور رأی جهت صدور سند مالکیت گردیده اند در دو نوبت و به شرح ذیل آگهی می شود: ۱- رأی شماره ۱۴۰۴/۰۳/۱۲۰۱۰۰۰۳۱۸۳۷ در پرونده کلاسه ۱۴۰۴/۰۳/۱۲۰۱۰۰۰۰۷۱۰ (آقای علیرضا سمیعی باقلعه فرزند عبدالرسول مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۰۴۸/۲ مترمربع در قسمتی از پلاک شماره ۲۰ فرعی از ۳- اصلی واقع در استان گلستان شهرستان رامیان بخش ۷ حوزه ثبتی رامیان که انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی (عبدی برزمینی). در صورتی که اشخاص ذی نفع به رأی اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از اولین تاریخ انتشار آگهی و در روستا ها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود

را کتبا با ذکر کلاسه پرونده به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تسلیم و رسید اخذ نمایند، معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تحویل دهد. در این صورت اقدامات ثبت، موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است. در صورت عدم وصول اعتراض این اداره وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۴/۰۹ (دوشنبه) تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۴/۲۵ (چهارشنبه) لیلا کاغذلو - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک رامیان م الف ۹۵۱۹

آگهی اختصاصی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی سال ۱۴۰۴

در اجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ - آئین نامه اجرایی قانون مزبور مقرر می دارد که پرونده هایی که به موجب آراء هیات محترم مستقر در ثبت اسناد و املاک رامیان منجر به صدور رأی جهت صدور سند مالکیت گردیده اند در دو نوبت و به شرح ذیل آگهی می شود: ۱- رأی شماره ۱۴۰۴/۰۳/۱۲۰۱۰۰۰۱۸۲۰ در پرونده کلاسه ۱۴۰۴/۰۳/۱۲۰۱۰۰۰۰۵۷۹ (آقای باقر نصیری تصرفات مفروزی و مالکانه آقای امیرمحمد صفری فرزند علی مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۲۳/۹۰ مترمربع در قسمتی از پلاک شماره ۳۷- اصلی واقع در استان گلستان شهرستان رامیان بخش ۸ حوزه ثبتی رامیان که انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی (آقای باقر نصیری سیدکلاته دارنده سند اصلاحات اراضی به شماره ۴۹۳۲ مورخ ۱۳۵۰/۰۷/۰۷). در صورتی که اشخاص ذی نفع به رأی اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از اولین تاریخ انتشار آگهی و در روستا ها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را کتبا با ذکر کلاسه پرونده به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تسلیم و رسید اخذ نمایند، معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تحویل دهد. در این صورت اقدامات ثبت، موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است. در صورت عدم وصول اعتراض این اداره وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۴/۰۹ (دوشنبه) تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۴/۲۵ (چهارشنبه) لیلا کاغذلو - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک رامیان م الف ۹۵۲۷

آگهی اختصاصی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی سال ۱۴۰۴

در اجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ - آئین نامه اجرایی قانون مزبور مقرر می دارد که پرونده هایی که به موجب آراء هیات محترم مستقر در ثبت اسناد و املاک رامیان منجر به صدور رأی جهت صدور سند مالکیت گردیده اند در دو نوبت و به شرح ذیل آگهی می شود: ۱- رأی شماره ۱۴۰۴/۰۳/۱۲۰۱۰۰۰۱۴۷۸ در پرونده کلاسه ۳۲۹۶۴۲۰۲۱۲۲۷۴۳۹۸ (تصرفات مفروزی و مالکانه آقای احسان سمیعی باقلعه فرزند اسداله مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۹۶/۹۹ مترمربع در قسمتی از پلاک شماره ۳۳- اصلی واقع در استان گلستان شهرستان رامیان بخش ۸ حوزه ثبتی رامیان که انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی (آقای علیرضا سمیعی دارنده سند اصلاحات ارضی به شماره ۶۸۸۷ مورخ ۱۳۵۱/۱۱/۱۰). ۲- رأی شماره ۱۴۰۴/۰۳/۱۲۰۱۰۰۰۱۴۷۵ در پرونده کلاسه ۳۲۹۶۴۲۰۲۱۲۶۹۳۰۳۹۳۸ (تصرفات مفروزی و مالکانه آقای اسداله سمیعی باقلعه فرزند عبدالرسول مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۹۸/۴۶ مترمربع در قسمتی از پلاک شماره ۳۳- اصلی واقع در استان گلستان شهرستان رامیان بخش ۸ حوزه ثبتی رامیان که انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی (آقای علیرضا سمیعی باقلعه دارنده سند اصلاحات ارضی به شماره ۶۸۸۷ مورخ ۱۳۵۱/۱۱/۱۰). در صورتی که اشخاص ذی نفع به رأی اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از اولین تاریخ انتشار آگهی و در روستا ها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را کتبا با ذکر کلاسه پرونده به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تسلیم و رسید اخذ نمایند، معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تحویل دهد. در این صورت اقدامات ثبت، موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است. در صورت عدم وصول اعتراض این اداره وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۴/۰۹ (دوشنبه) تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۴/۲۵ (چهارشنبه) لیلا کاغذلو - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک رامیان م الف ۹۵۳۷

آگهی مزایده عمومی شماره ۲۰۰۴۰۰۴۱۶۷۰۰۰۰۱ و شماره مزایده مرجع ۵۲

فروش یک دستگاه ساختمان اداری متعلق به کمیته امداد به مشخصات ذیل گرگان: خیابان افسران

کمیته امداد امام خمینی استان گلستان در نظر دارد

ملک خود را به شرح مذکور و با جزئیات مندرج در اسناد مزایده را با بهره مندی از سامانه تدارکات الکترونیکی با شماره مزایده ۲۰۰۴۰۰۴۱۶۷۰۰۰۰۱ و شماره سیستمی ۵۲۸ به صورت الکترونیک به فروش برساند.

زمان انتشار در سایت ۱۴۰۴/۰۴/۱۰ ساعت ۸:۰۰

آدرس سامانه ستاد (www.setadiran.ir)

تاریخ بازدید: ۱۲/۰۴/۱۴۰۴ لغایت ۱۵/۰۴/۱۴۰۴ از ساعت ۱۰ صبح لغایت ۱۲

مهلت دریافت اسناد مزایده: ۱۶/۰۴/۱۴۰۴ ساعت ۸:۰۰

زمان اعلام به برنده ۲۸/۰۴/۱۴۰۴ ساعت ۱۰:۰۰

زمان بازگشایی: ۲۸/۰۴/۱۴۰۴ ساعت ۹:۰۰

آخرین مهلت ارسال پیشنهادات قیمت: ۲۸/۰۴/۱۴۰۴ ساعت ۸:۳۰ شناسه آگهی ۱۹۵۵۸۳۴

صادرات ۴۶۳ میلیون دلاری گلستان گامی بلند در تجارت بین‌المللی

بازدیدهای میدانی برای رفع مشکلات فعالان این حوزه انجام شده است. به گفته وی، منطقه آزاد اینچه‌برون به دلیل موقعیت بکر و ظرفیت‌های بالای خود، پتانسیل تأمین امنیت غذایی استان‌های شمالی و حتی تهران را در شرایط جنگ یا بحران دارد. کیان‌مهر با بیان اینکه طی ۱۰ سال گذشته بر خودکفایی در تأمین کالاهای اساسی تأکید شده، خاطرنشان کرد: تسریع در خروج کالا و رفع موانع گمرکی، گلستان را به نقطه اتکای استراتژیک در زنجیره تأمین کشور تبدیل خواهد کرد و این دیدگاه، نقش گلستان را به‌عنوان قطب منطقه‌ای در تجارت و تأمین نیازهای اساسی کشور برجسته می‌کند. گلستان در حوزه اشتغال نیز عملکردی درخشان داشته است. با تعهد ایجاد پنج هزار و ۶۲۰ شغل در بخش صنعت، معدن و تجارت، این استان موفق به ایجاد ۶ هزار و ۷۱۰ فرصت شغلی شده که ۲۰ درصد بیش از هدف تعیین‌شده است. احیای واحدهای تولیدی را، صدور پروانه‌های جدید و حمایت از بخش خصوصی، عوامل اصلی این موفقیت بوده‌اند. به گفته حسن‌زاده، این تلاش‌ها با هدف جلوگیری از بیکاری شاغلان و در راستای منویات رهبر معظم انقلاب برای حمایت از تولید و بخش خصوصی انجام شده و توسعه نیروی کار در مناطق صنعتی مانند سیمین‌شهر، گواهی بر ظرفیت بالای گلستان در ایجاد اشتغال پایدار است. با وجود دستاوردها، چالش‌هایی مانند کمبود نقدینگی و مشکلات بازار فروش همچنان پیش روی بخش صنعت و تجارت گلستان قرار دارد. حسن‌زاده بر استفاده از ابزارهای نوین مالی و بازار سرمایه برای تأمین منابع مالی تأکید کرده و کیان‌مهر نیز با اشاره به ضرورت تقویت زیرساخت‌های گمرکی، پیشنهاد کرده که تسریع در فرآیندهای خروج کالا و رفع موانع، ظرفیت‌های منطقه آزاد اینچه‌برون را فعال‌تر کند. حمایت از صنایع کوچک و دانش‌بنیان و گسترش بازارهای صادراتی نیز از راهکارهای پیشنهادی برای تضمین رشد پایدار است.



گلستانی در نمایشگاه‌های بین‌المللی مانند ایران آگرو فود ترکمنستان، اوراسیا و ایران اکسپو ۲۰۲۵ و برگزاری نمایشگاه تخصصی توانمندی‌های صادراتی ترکمنستان در گلستان، به گسترش بازارهای صادراتی و جذب سرمایه‌گذاری کمک کرد. استان گلستان با بهره‌گیری از ظرفیت‌های منطقه آزاد اینچه‌برون، در حال تبدیل شدن به محور کلیدی تأمین کالاهای اساسی کشور است. عبدالعلی کیان‌مهر، معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار، با تأکید بر نقش استراتژیک گلستان در پلاندن غیرعامل، گفت: این استان می‌تواند نیازهای غذایی کشور، به‌ویژه در شرایط بحران را تأمین کند. وی با اشاره به ضرورت کاهش وابستگی به بنادر جنوبی تأکید کرد: تقویت مسیرهای شمالی، به‌ویژه از کشورهای CIS، در اولویت قرار دارد. کیان‌مهر افزود: با حمایت استاندار و ریزی به تهران، فرآیندهای گمرکی تسهیل شده و

جایگاه این استان را به‌عنوان یک قدرت صادراتی تثبیت کرد. به گفته حسن‌زاده، صادرات استان با رشد ۴۲ درصدی در ارزش به ۴۶۳ میلیون دلار و رشد ۳۲ درصدی در وزن به ۷۱۹ هزار تن رسیده است. ارزش هر تن کالای صادراتی ۶۴۴ دلار بوده که نسبت به سال قبل هفت درصد افزایش یافته و ترکمنستان، قزاقستان، ازبکستان، پاکستان، روسیه و ارمنستان از مهم‌ترین مقاصد صادراتی بودند. اقلام صادراتی شامل ید، پنیر، پرپر، گوشت مرغ، لبنیات، میوه و تره‌بار، سیمان، محصولات پتروشیمی و شیمیایی، توتون، قطعات فلزی، مواد شوینده و تخم‌مرغ بوده که بخش صنعت و معدن با ۳۱۰ میلیون دلار، نقش محوری در این رشد داشته است. وی افزود: صادرات به کشورهای عضو اوراسیا با افزایش ۵۸ درصدی به ۱۶۸۶ میلیون دلار رسید که نشان‌دهنده تقویت جایگاه گلستان در تجارت منطقه‌ای است. حضور فعال تولیدکنندگان

استان گلستان، با موقعیت جغرافیایی استثنایی، هم‌جواری با کشورهای حوزه CIS و ظرفیت‌های بی‌نظیر منطقه آزاد اینچه‌برون، به‌عنوان یکی از قطب‌های برجسته صنعتی و تجاری ایران درخشان است و ظرفیت‌های بزرگ عظیم در تولید، صادرات و تأمین کالاهای اساسی، نه تنها نیازهای منطقه‌ای بلکه بخش قابل‌توجهی از نیازهای کشور را تأمین می‌کند. به گزارش ایرنا، استان گلستان در سال ۱۴۰۳ با تکیه بر ظرفیت‌های صنعتی خود، گام‌های بلندی در مسیر توسعه برداشته است. به گفته مدیرکل صنعت، معدن و تجارت گلستان، احیای واحدهای تولیدی راکد یکی از اولویت‌های کلیدی بوده که نتایج درخشانی به همراه داشته است. درویشعلی حسن‌زاده بیان کرد: بازگشت ۲۶ واحد صنعتی راکد به چرخه تولید در سال گذشته، زمینه اشتغال صدها نفر را فراهم کرد و طی سه سال اخیر، احیای ۹۰ واحد تولیدی، فرصت‌های شغلی پایداری برای بیش از هزار و ۱۹۳ نفر ایجاد کرده است. وی افزود: ناحیه صنعتی سیمین‌شهر در شهرستان گمشان نمونه‌ای برجسته از این موفقیت‌هاست که این واحدها نه تنها احیا شده‌اند، بلکه به مراکز تولیدی موفق، درآمدزا و ارزآور تبدیل شده و با افزودن خطوط تولید جدید، به توسعه اقتصادی استان و کشور کمک کرده‌اند. مدیرکل صنعت، معدن و تجارت گلستان بیان کرد: صدور ۱۳۷ فقره پروانه بهره‌برداری صنعتی با سرمایه‌گذاری حدود ۵۵ هزار میلیارد ریال، ظرفیت اشتغال‌زایی برای سه هزار و ۶۳۰ نفر را فراهم کرده که این پروانه‌ها بیشتر در حوزه‌های محصولات غذایی و آشامیدنی، محصولات فلزی و مواد شیمیایی صادر شده‌اند که نشان‌دهنده توان بالای گلستان در تأمین نیازهای بازارهای داخلی و خارجی است. این دستاوردها، گلستان را به‌عنوان یکی از مراکز پیشرو در صنایع غذایی و شیمیایی معرفی کرده و پتانسیل آن را برای تبدیل شدن به قطب صنعتی منطقه تقویت کرده است. بخش تجارت گلستان در سال قبل با عملکردی خیره‌کننده،

امدادسانی به ۴۱۸ حادثه ترافیکی در ۳ ماه نخست سال



دیده، هزار و ۳۹ نفر مصدوم شدند که ۴۷۱ نفر از آنها را نیروهای هلال احمر به مراکز درمانی انتقال دادند. غریب آبادی اضافه کرد: در این مدت دو هزار ۴۳۴ امدادگر و نجاتگر و ۷۳۸ خودروی امدادی و کمک‌دار به کارگرفته شدند که در ۵۱۰ مورد آمبولانس بوده و در ۶۰ مورد نیز از خودروی نجات استفاده شده است. وی با اشاره به حوادث پوشش داده شده در شهرستان‌ها گفت: گالیکش با ۱۱۵ حادثه، گرگان با ۱۰۲ حادثه و گنبدکاووس با ۶۸ حادثه بیشترین موارد پوشش حوادث استان را به خود اختصاص داده‌اند. مدیرعامل جمعیت هلال احمر گلستان گفت: از بین پایگاه‌های امدادونجات، پایگاه‌های سه‌راهی گالیکش، قرق گرگان، زرین‌گل علی‌آباد کنول و تیم واکنش سریع استان به ترتیب ۷۸، ۶۳ و ۴۶ حادثه را پوشش داده‌اند.

مدیرعامل جمعیت هلال‌احمر گلستان از پوشش ۶۰۳ عملیات امدادی در سه‌ماهه اول ۱۴۰۴ خبر داد و گفت: بیش از ۷۰ درصد امدادسانی مربوط به حوادث جاده‌ای بوده است. به گزارش روابط عمومی، قاسم غریب آبادی با اشاره به عملیات‌های امدادی سه‌ماهه نخست سال اظهار کرد: نیروهای امدادی استان در این مدت به ۶۰۳ حادثه اعزام شدند که ۴۱۸ مورد آن حوادث ترافیکی و جاده‌ای بوده است. وی با اشاره به زحمات شبانه‌روزی امدادگران و نجاتگران در امدادسانی به حادثه دیدگان افزود: ۲۵ مورد مفقودی، شش عملیات کوهستان و دو عملیات آبگرفتگی را تا پایان خرداد ماه پوشش داده شده است. مدیرعامل جمعیت هلال احمر گلستان گفت: در حوادث گزارش شده از ابتدای سال تا پایان خرداد ماه ۱۴۰۴ از هزار و ۷۸۲ حادثه

تلاش دادگستری برای حل مشکل معدنچیان ستودنی است



مختومه شدن ۵۲۲ هزار پرونده در سال گذشته، گفت: با احتساب میانگین دو نفر برای هر پرونده، بیش از یک میلیون نفر به دستگاه قضایی استان مراجعه کرده‌اند که پاسخگویی به این حجم مراجعان، تنها با تلاش جهادی همکاران ما ممکن شده است. حیدر آسیابی افزود: گلستان در حوزه آزادی محکومان مالی با کمک خیران و ستاد دیه، موفق‌ترین استان کشور بوده و ۴۲۵ زندانی آزاد شده‌اند. همچنین ۲۲ پرونده قصاص با رضایت اولیای دم به صلح و سازش ختم شده است. وی از کسب رتبه اول کشوری در حوزه شوراها و حل اختلاف و معاونت مالی و عمرانی خبر داد و گفت: بیش از ۱۱ هزار متر مربع فضای اداری و رفاهی به مجموعه قضایی استان اضافه شده که همگی در تملک دستگاه قضایی هستند. رئیس‌کل دادگستری گلستان به اقدامات شاخص در حفظ حقوق بیت‌المال اشاره کرد و گفت: در آزادشهر، سند پنج هکتاری پارک جنگلی ظرف ۲۴ ساعت به منابع طبیعی واگذار شد. در اینچه‌برون، بیش از ۱۲ هزار هکتار سند صادر شد و در بندرتکمن، بازارچه ۱۵ هکتاری پس از ۴۵ سال به شهرداری بازگردانده شد که اکنون سالانه میلیاردها تومان درآمد برای مردم شهر ایجاد می‌کند. وی همچنین از رفع موانع حقوقی بازارموزه بزرگ گرگان، معادن زغال‌سنگ آزادشهر و پاساژ زرین گرگان خبر داد و افزود: با دستور رئیس قوه قضاییه، موانع ساخت بازارموزه گرگان پس از چهار سال توقف برطرف شد و این پروژه تا ۱۰۵ سال آینده با ایجاد ۲ هزار فرصت شغلی به بهره‌برداری می‌رسد.

نماینده ولی‌فقیه در گلستان از اقدامات دادگستری این استان در رفع مشکلات کارگران معادن زغال‌سنگ آزادشهر و رامیان قدردانی کرد و گفت: حل مشکلات ۶۰۰ کارگر معادن زغال‌سنگ که مدت‌ها از معوقات خود گلیه‌مند بودند با مدیریت قضایی، اقدامی شایسته و قابل تقدیر است. به گزارش روابط عمومی، آیت‌الله سیدکاظم نورمفیدی در دیدار با اعضای شورای قضایی گلستان به مناسبت هفته قوه قضاییه، همچنین به اقدامات دادگستری در حل مشکلات پاساژ زرین و بازارموزه هفت شهر گرگان اشاره کرد و افزود: مردم شایسته بهترین خدمات هستند و خوشبختانه دادگستری گلستان با تلاش خالصانه در این مسیر گام‌های موافی برداشته است. وی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به پیام عاشورا، تأکید کرد: امام حسین (ع) در سخت‌ترین شرایط، توحید را به نمایش گذاشت و امروز بشریت بیش از هر زمان به چراغ هدایت عاشورا نیاز دارد. رئیس‌کل دادگستری گلستان هم در این دیدار با اشاره به

راز آرامش در خانه داری؛

چگونه استرس ها را مدیریت کنیم؟

می شود و در نتیجه، انرژی و شادابی فرد افزایش می یابد.

در طول روز ورزش و پیاده روی داشته باشید:

ورزش منظم، به ویژه پیاده روی روزانه، یکی از راه های مؤثر برای پیشگیری از افسردگی، به ویژه در زنان خانه دار است. فعالیت بدنی، چه در باشگاه و چه در قالب پیاده روی کوتاه، به افزایش عزت نفس و بهبود روحیه کمک می کند و به شما نشان می دهد که به خودتان اهمیت می دهید. این فعالیت فیزیکی، خستگی روحی را کاهش می دهد و با افزایش میزان فعالیت بدنی، احتمال ابتلا به افسردگی به طور قابل توجهی کاهش می یابد.

سعی کنید کتاب بخوانید:

خواندن کتاب راهی مؤثر برای مقابله با افسردگی است. کتاب های خوب، با ارائه داستان ها و ایده های جدید، می توانند سطح استرس را کاهش داده و انرژی مثبت را افزایش دهند. حتی صرف چند دقیقه در روز برای خواندن، می تواند تأثیرات قابل توجهی بر سلامت روان داشته باشد. با تمرکز بر متن و داستان، ذهن از نگرانی های روزمره فاصله گرفته و آرامش پیدا می کند. مطالعات نشان می دهند خواندن حداقل ۶ دقیقه در روز، می تواند تا ۶۰ درصد در کاهش سطح استرس مؤثر باشد.

رعایت الگوی خواب منظم و دوری از

بی خوابی:

برای ارتقای سلامت جسمی و روانی، رعایت الگوی خواب منظم و دوری از بی خوابی بسیار ضروری است. محدود کردن استفاده از شبکه های اجتماعی و سایر محرک های دیجیتال قبل از خواب، به آرامش و تنظیم ساعت بیولوژیکی بدن کمک می کند. این کار باعث می شود مغز برای خواب آماده شده و کیفیت خواب بهبود یابد. در نتیجه، بدن و ذهن انرژی لازم برای فعالیت در طول روز را کسب می کنند و از بروز مشکلات ناشی از کم خوابی، مانند خستگی، کاهش تمرکز و اضطراب پیشگیری می شود.

مراجعه به روانپزشک و تراپیست:

از مهمترین روش های درمان افسردگی می توان به مراجعه به روانپزشک و تراپیست اشاره کرد. اگر تمامی روش های بالا را امتحان کردید؛ اما هنوز هم احساس پوچی و ناراحتی می کنید، بهتر است از یک متخصص حرفه ای کمک بگیرید. این افراد می توانند با گوش دادن به حرف های شما ریشه مشکلاتتان را پیدا کنند و در کمترین زمان ممکن به درمان شما بپردازند.



روش های درمان افسردگی در زنان خانه دار

روش های مختلفی برای درمان افسردگی در زنان خانه دار وجود دارد. اغلب افراد بر این تصور هستند که تنها با استفاده از روش های دارویی می توانند افسردگی خود را درمان کنند؛ اما باید به شما بگوییم که اصلاً این چنین نیست و شما می توانید به راحتی از طریق روش های خانگی نیز افسردگی خود را درمان کنید. از جمله مهم ترین روش های درمان افسردگی که خانم های خانه دار می توانند از آن ها کمک بگیرند، به موارد زیر می توان اشاره کرد:

یک سرگرمی برای خود درست کنید:

داشتن یک سرگرمی یکی از روش هایی است که برای جلوگیری از افسردگی در زنان خانه دار در نظر گرفته می شود، البته البته فرقی نمی کند که این سرگرمی چه چیزی باشد. سعی کنید در طول روز زمانی را به انجام کارهایی که دوست دارید، اختصاص دهید. به عنوان نمونه به خرید بروید یا یک مهارت جدید یاد بگیرید. همچنین می توانید با دوستانتان وقت بگذرانید و با آن ها به رستوران مورد علاقه تان بروید.

پیروی از یک رژیم غذایی متعادل:

بهترین راه برای رفع خستگی، پیروی از یک رژیم غذایی متعادل و سرشار از میوه ها و سبزیجات تازه، و پروتئین های بدون چربی است. این رژیم، علاوه بر تامین انرژی و بهبود عملکرد بدن، به کنترل وزن نیز کمک می کند. دوری از چاقی، که خود یکی از عوامل اصلی خستگی و کم فعالیت است، با این روش ممکن

فشار روانی زیادی ایجاد کند و در نهایت به افسردگی منجر شود. عدم برنامه ریزی روزانه و هفتگی نیز در این موضوع نقش بسزایی دارد. وجود یک برنامه منظم، به زندگی ساختار و معنا می بخشد. با برنامه ریزی، می توانید احساس کنترل و رضایت بیشتری از زندگی خود داشته باشید و از انجام وظایف روزانه و هفتگی خود لذت ببرید. در نتیجه، عدم وجود این برنامه ریزی می تواند از عوامل مؤثر در ایجاد و تشدید افسردگی باشد. احساس پوچی و بی هدفی شدید، یکی دیگر از نشانه های برجسته افسردگی در زنان خانه دار است.

این احساس بی ارزشی و فقدان هدف، می تواند بسیار آزاردهنده و حتی تهدیدکننده زندگی باشد. در موارد شدید، این احساس پوچی می تواند منجر به افکار خودکشی شود، که نیازمند توجه فوری و مداخله تخصصی است. علاوه بر احساس پوچی، زنان خانه دار مبتلا به افسردگی اغلب با ناراحتی و غم مداوم دست به گریبانند. این ناراحتی می تواند به انزوا و گوشه گیری منجر شود. آنها ممکن است از حضور در جمع و ارتباط با خانواده خود اجتناب کنند، زیرا در این محیط ها احساس ناراحتی و بی کفایتی بیشتری می کنند. علامت دیگر افسردگی در زنان خانه دار این است که معمولاً بیشتر از سایر افراد می خوابند. این مسئله به این علت است که فرد بیمار با خوابیدن قصد فرار از مشکلات و ناراحتی ها را دارد و خوابیدن به او کمک می کند تا مدت زمانی را در آرامش بگذرانند. در صورتی که فرد بیش از حد نرمل بخوابد، ممکن است به افسردگی مبتلا شده باشد و باید برای درمان خود اقدام کند.

خانم های خانه دار، با مسئولیت های متنوع و گاه سنگین خانوادگی، غالباً در معرض استرس های پنهان و فشاری هستند که می تواند بر سلامت روان آنها تأثیر منفی بگذارد. این فشارها، از تنش های ناشی از نقش های متعدد تا احساس بی هدفی و عدم استقلال، می تواند زمینه ساز افسردگی و اضطراب شود. در این مقاله، به بررسی عواملی که در بروز این مشکلات نقش دارند و راهکارهایی برای ارتقای سلامت روان بانوان خانه دار و ایجاد تعادل در زندگی شخصی و خانوادگی خواهیم پرداخت. به گزارش ایرنا زندگی، نقش های مراقبتی و مسئولیت پذیری سنگین در خانواده، به ویژه برای زنان خانه دار، می تواند زمینه ساز مشکلات روانی متعددی، از جمله افسردگی شود. این مسأله ی مهم، که تأثیر مستقیمی بر کانون خانواده و سلامت روحی و روانی تمامی اعضای آن دارد، نیازمند بررسی دقیق و عمیق است. افسردگی در زنان خانه دار، به دلایل متعددی از جمله فشارهای اجتماعی، تغییرات هورمونی و انتظارات متعدد فرهنگی، رخ می دهد. تلاش برای ایفای نقش های مادر، همسر و فرزند با مسئولیت های آموزشی در خانواده، بار سنگینی بر دوش زنان می گذارد و می تواند منجر به استرس و افسردگی شود. در ادامه به بررسی علل و راه های پیشگیری و درمان افسردگی در این گروه از زنان خواهیم پرداخت. افسردگی، یک اختلال خلقی است که با احساسات منفی شدید مانند غم، ناامیدی، اندوه و درماندگی مشخص می شود. در این حالت، فرد ممکن است احساس بی ارزشی و نارضایتی از زندگی خود داشته باشد. شدت افسردگی در افراد مختلف متفاوت است و می تواند خفیف، متوسط یا شدید باشد. همه ما در طول زندگی مان ممکن است احساساتی مشابه افسردگی را تجربه کنیم، مثلاً ناشی از تغییرات هورمونی، خستگی یا استرس. اما زمانی که این احساسات منفی برای چند روز یا بیشتر ادامه داشته باشند و زندگی روزمره را مختل کنند، به یک مشکل جدی تبدیل می شوند. در موارد شدید، افسردگی می تواند منجر به نارضایتی شدید از زندگی و حتی خودکشی شود. بنابراین، توجه به علائم و جستجوی کمک در صورت نیاز بسیار مهم است.

چرا زنان خانه دار دچار افسردگی می شوند؟

دلایل مختلفی برای بروز افسردگی در زنان خانه دار وجود دارد و این مسئله می تواند بسیار آزاردهنده باشد. زندگی روزمره و یکنواختی، یکی از مهم ترین عوامل بروز افسردگی در زنان خانه دار است. روزها و شب ها پر از تکرار کارهای خانه، پخت و پز، مراقبت از کودکان و... احساس خستگی، بی هدفی و بی معنایی را به همراه می آورد. این تکرارها و فقدان تنوع می تواند



رعایت دقیق دستورالعمل ها و توصیه های فنی در مراحل برداشت، بر نقش این دستورالعمل ها در حفظ کیفیت محصول و افزایش بهره وری تأکید شد. معاون بهبود تولیدات گیاهی سازمان جهاد کشاورزی گلستان گفت: طبق آمار اعلام شده تاکنون حدود ۱۱۰ هزار تن چغندر قند پاییزه از مزارع استان گلستان برداشت شده و به کارخانجات قند معین ارسال شده است. مهقانی اظهار کرد: عملیات برداشت چغندر قند پاییزه همچنان ادامه دارد و سازمان جهاد کشاورزی گلستان با نظارت مستمر بر فرآیند برداشت، تلاش می کند کیفیت محصول را حفظ کرده و زمینه تولید شکر با کیفیت در استان را فراهم سازد. وی خاطرنشان کرد: این اقدامات در راستای توسعه کشاورزی پایدار و افزایش بهره وری بخش کشاورزی استان گلستان صورت می گیرد.

۱۱۰ هزار تن چغندر قند به کارخانجات تحویل داده شد

معاون بهبود تولیدات گیاهی سازمان جهاد کشاورزی گلستان از برداشت چغندر قند پاییزه خبر داد و گفت: تاکنون ۱۱۰ هزار تن محصول به کارخانجات قند ارسال شده است. به گزارش روابط عمومی، علی اکبر مهقانی اظهار کرد: طی روزهای گذشته توانستیم از مراحل برداشت چغندر قند پاییزه در مزارع استان بازدید و بر روند انجام عملیات نظارت کنیم. وی افزود: در این بازدید میدانی، بر اهمیت